



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic Law The 16 rd.
Year/NO: 2 Summer 2023**

An analysis of the role of environmental crimes in national security; jurisprudential, legal and criminological approaches

Ziadhani Sarah¹ Salimi Sadegh² Ghavam Seyed Abdolali³

Received date: 2023/05/02
Acceptance date: 2023/08/08

Abstract

A threat to national security is an action or a series of events that seriously threatens the quality of life of the residents of a country or the scope of authority of a government or private units belonging to a country in choosing policies in a more or less short period of time. It is extremely dangerous. National security can be discussed as a very important phenomenon, and one of these areas is the environmental issue, which has caused the formation of new debates under the title of environmental security. The numerous characteristics of environmental damage that have irreparable effects have caused this category to become a significant influence in jeopardizing national and international security and to face a serious risk to sustainable development. This research described the important concepts of the study with a descriptive-analytical method, and then it examines the impact of the green belt on national security and environmental security from a legal, jurisprudential and criminological point of view.

Keywords: Environmental Protection, Environmental Crimes, Environmental Terrorism, National Security, Corruption on the Earth

¹ Phd candidate at Department of Natural Resources and Environment, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ziadhani.sarah@gmail.com

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Corresponding Author) sadegsalimi@yahoo.com

¹ Full Professor of Department of Political Sciences, Faculty of Economic and Political Sciences. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. s_a_ghavam@hotmail.com

بررسی تاثیر جرایم زیست محیطی در امنیت ملی با رویکردی فقهی، حقوقی و جرم شناختی

سارا زیادخانی^۱

صادق سلیمی^۲

سید عبدالعلی قوام^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

چکیده

تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از یک عمل یا یک سلسله حوادث است که طی زمان کم یا بیش کوتاه کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را به صورت جدی تهدید می کند یا دامنه اختیار یک حکومت یا کشور یا واحدهای خصوصی متعلق به یک کشور را در انتخاب سیاست مقتضی به شدت به مخاطره می اندازد. امنیت ملی به عنوان پدیده ای بسیار مهم قابل بحث و بررسی است که یکی از این حوزه ها، محیط زیست است که باعث شکل گیری مباحثی نوین تحت عنوان امنیت زیست محیطی شده است. خصیصه های متعدد بزه زیست محیطی که دارای آثار غیر قابل جبرانی است سبب شده است که این مقوله تاثیر بسزایی در به خطر افتادن امنیت ملی و بین المللی داشته باشد و توسعه پایدار را با خطر جدی مواجه سازد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به توصیف مفاهیم مهم پژوهش پرداخته و سپس از لحاظ حقوقی، فقهی و جرم شناختی به بررسی تاثیرگذاری بزه سبز بر امنیت ملی و امنیت زیست محیطی خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: حفاظت محیط زیست، جرایم زیست محیطی، تروریسم زیست محیطی، امنیت ملی، افساد فی الارض

ziadkhani.sarah@gmail.com

sadegsalimi@yahoo.com

s_a_ghavam@hotmail.com

^۱ دانشجوی دکتری حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

^۳ استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

محیط زیست به محیطی اطلاق می‌شود که نسل انسان به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد. برای حفظ محیط زیست، اقدامات مختلفی در ابعاد و زمینه‌های گوناگون آن صورت گرفته است. برخی از این اقدامات جنبه‌ی پیشگیری و برخی دیگر نیز جنبه‌ی مقابله با آلودگی و تخریب محیط زیست را دارند. حقوق محیط زیست یکی از مکانیسم‌های حفاظت از محیط زیست است که جنبه پیشگیرانه دارد. حقوق محیط زیست، شاخه‌ای از علم حقوق است که به مطالعه قواعد حقوقی موجود در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی می‌پردازد، که یکی از اهداف آن حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیتهای انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت‌های انسانها را بر روی عناصر و محیط‌های طبیعی تعریف و سازمان می‌بخشد و کیفیت زندگی بهتر را تضمین می‌نماید. در این ارتباط، اغلب کشورهای جهان رژیم جزایی خاصی را در مورد حفاظت از محیط زیست به اجرا می‌گذارند، بدین جهت این مهم به عنوان موضوعی ویژه و خاص و در گونه‌های مختلف آن به ویژه در شک‌دهی به سیاست جنایی تقنینی و گفتمان قانونگذاری و اسناد بین‌المللی در مورد حفاظت از محیط زیست موثر واقع می‌شود. سزار بکاریا حقوقدان معروف ایتالیایی نیز معتقد است پیشگیری از وقوع جرایم، بهتر از کیفر دادن است و برای پیشگیری از جرایم پیشنهاد می‌کند که نخست قوانین باید روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود، دوم مردم آموزش داده شوند و سوم پرهیزکاران پاداش داده شوند. (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۴، ص. ۷۵)

جرایم علیه محیط زیست ممکن است علیه اجزای جاندار محیط زیست یعنی کلیه جانداران گیاهی و حیوانی، علیه اجزای غیر جاندار محیط زیست مانند آلودگی‌های گوناگونی چون آلودگی آب، هوا، خاک، زمین ناشی از مواد شیمیایی، هسته‌ای و مواد رادیو اکتیو، زباله، نخاله‌ها و پسماندها و نیز آلودگی حرارتی، همچنین پاره‌های تخریب‌ها نسبت به این بخش از محیط زیست مانند ایراد خسارت به سدها، بیشتر سدها و رودها و مانند آن، دره‌ها و مسیرهای طبیعی سطح و زیر زمینی، خسارت نسبت به عمارت‌ها و بناها، کشتی، هواپیما، ایجاد حریق و آتش سوزی در این اموال، آلوده کردن آب رودخانه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها و خلیج فارس با استفاده از مواد گوناگون اعم از نفت و مخلوط نفتی و مانند آن، ایجاد خسارت در میراث طبیعی و فرهنگی و نیز اموال تاریخی و هنری و آثار باستانی و سرانجام و جرایم زیست محیطی مشترک مانند ایراد صدمه نسبت به بهداشت و سلامت عمومی، برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست، اقدامات آلاینده و مخرب علیه توسعه پایدار کشور صورت بگیرد. (محمدی، ۱۳۸۶، ص. ۷۸) جرایم علیه محیط زیست می‌تواند تهدیدی علیه امنیت ملی و نظم عمومی باشد. از این رو، پژوهش حاضر بعد از ذکر پیشینه پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا به توصیف مفاهیم مهم پژوهش پرداخته و سپس از لحاظ حقوقی، فقهی و جرم‌شناختی به بررسی تاثیرگذاری بزه سبز بر امنیت ملی و امنیت زیست محیطی خواهد پرداخت.

۱- بزه سبز از مفهومی حقوقی تا آسیب اجتماعی شناختی

۱-۱- تحلیل حقوقی

یکی از بایسته‌های اولیه برقراری نظام جزایی در هر نظام حقوقی 'شناسایی و ایجاد نظام سلسله مراتبی در میان ارزش‌های حقوقی جوامع است. با برقراری نظام سلسله مراتبی و تقسیم ارزش‌ها به ارزش‌های فرادست و فرودست است که شکل‌گیری یک نظام کیفری با حمایت از ارزش‌های فرادست ضرورت یافته و توجیه می‌شود. یکی از ارزش‌های بنیادین حق بر محیط زیست سالم است (عبداللهی ۱۳۸۶، ص. ۵۰). حق بر محیط زیست سالم همانند سایر حقوق مدنی و سیاسی برای توسعه پایدار حائز اهمیت است و این موضوع در دهه‌های اخیر مورد پذیرش قرار گرفته است (زهره ونیدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹).

امروزه حق بر محیط زیست سالم در حقوق داخلی در قالب قوانین اساسی 'آرای دادگاه ها و رویه های اداری شناسایی و تضمین شده است. در نظام حقوقی ایران' این حق در اصل ۵۰ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. در واقع 'در اینجا می توان از اساسی سازی حق بر محیط زیست سالم سخن گفت (مشهدی، ۱۳۹۳، ص. ۵۸۲). به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی «در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.» با تدقیق در نظام حقوقی کشور' ملاحظه می شود که حمایت و حفاظت از محیط زیست در حال حاضر به عنوان یکی از دغدغه های آن محسوب می شود. از جمله قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵، دارای مقرراتی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست است. به عنوان مثال در ماده (۲۹) این قانون، مقررات خاصی جهت بهره برداری از جنگل ها مطرح شده است و ضمانت اجراهای درخور توجهی نیز در نظر گرفته شده است تا اشخاص سودجو به بهانه توسعه اقتصادی نتوانند جنگل ها را که منابع حیاتی زمین و بخشی از نظام تنوع زیستی هستند، در معرض نابودی و کاهش جبران ناپذیری قرار دهند.

در قوانین برنامه های توسعه ای پنج ساله نیز مقررات ویژه ای جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست در نظر گرفته شده است. آخرین اراده قانونگذار درخصوص برنامه های پنج ساله توسعه در قانون پنج ساله ششم توسعه اقتصادی 'اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۶ است. مقنن در این قانون، بخشی را تحت عنوان «محیط زیست و منابع طبیعی» اختصاص داده است. همچنین به موجب ماده (۳۸) این قانون' دولت موظف شده است تا اقداماتی در جهت حفاظت از محیط زیست به عمل آورد.

علیرغم تصویب قوانین متعدد حمایتی و حفاظتی پیرامون محیط زیست، تاکنون «تروریسم زیست محیطی» که از اقسام نوظهور جرایم تروریستی بوده و می تواند امنیت ملی کشور را به شدت تحت تاثیر قرار دهد' به صورت یک جرم مستقل 'جرم‌انگاری نشده است؛ هرچند قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی، بیانگر سیاست جنایی سرگردان ما در این خصوص است؛ در حالی که هنوز در خصوص اصل تروریسم' قانونی به تصویب نرسیده است، اما قانون مبارزه با تأمین منابع مالی آن به تصویب مجلس رسیده است. مشکل عمده جایی ظاهر می شود که در حالیکه، مقنن تاکنون تعریفی دقیق از تروریسم زیست محیطی ارائه نداده است اما در ماده (۱) قانون اخیر به «ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب ها و آتش زدن جنگل ها» اشاره می کند، که در واقع همان تروریسم زیست محیطی است. این نکته بیانگر این مهم است که قانونگذار در یک بند تروریسم زیست محیطی را از بیوتروریسم جدا کرده و در بند دیگر هر دو را یکی انگاشته است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران از زمان شکل گیری، همواره یکی از اهداف گروه ها و سازمان های تروریستی بوده است.

۲-۱- تحلیل فقهی

حفاظت و نگهداری از محیط زیست همواره از دغدغه های مهم و اصلی پیشوایان دینی بوده است. در نگاه فقها نیز ضرورت حفاظت از محیط زیست مورد تاکید همیشگی بوده است. با عنایت به آیات و روایات، تردیدی نیست که تجاوز به حق بر محیط زیست سالم در قالب جرم زیست محیطی و یا تروریسم زیست محیطی، دارای اثرات و پیامدهای فقهی می باشد (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص. ۱۶). اصولاً هر نظام حقوقی که مدعی کامل بودن می باشد نیاز به احکامی دارد که بتواند با توسل به آن ها به موضوعات مستحدثه پاسخ مناسبی بدهد. برخی از احکام فقهی که از چنین ویژگی برخوردار بوده و می توانند در موضوعات زیست محیطی کاربرد داشته باشند عبارتند از: اصل لا ضرر، مشترکات عمومی، اصل مصلحت، اصل اتلاف و تسبیب، اصل عدم اعانه بر اثم و قاعده عدم فساد.

در فقه اسلامی رابطه تنگاتنگی میان انسان و طبیعت وجود دارد؛ در چارچوب وظیفه انسان حفاظت از طبیعت و علاوه بر آن آباد کردن و احیای آن است. زیرا براساس احکام اسلامی خداوند پاک است و پاکی را دوست دارد؛ و آنچه که در طبیعت وجود دارد برای این است که انسان از آن بهره برداری نماید و به زمین تعلق دارد و نه به انسان (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۷) همچنین در قرآن کریم در رابطه با هریک از عناصر بی جان طبیعت از جمله آب، هوا، خاک و نیز عناصر جاندار نظیر درختان و جانوران احکامی وجود دارد. در این احکام از طرفی به اهمیت هر یک از این عناصر و نقشی که در زندگی بشر ایفا می نمایند و اینکه همه آن ها برای بشر خلق شده اند تا بشر بتواند با استفاده از آن ها به کمال برسد تاکید شده است (فهیمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۵)؛ و از طرف دیگر متذکر می شود که تمامی این عناصر مواهب الهی است و بشر به عنوان امانت دار در استفاده از آن ها نباید چنان رفتار نماید که موجب تخریب و نابودی آن ها گردد بلکه به مانند هر امانتداری باید به نحوی رفتار نمایند که بعد از و این مواهب به دست آیندگان برسد.

به عبارت دیگر، هم چنان که خداوند جهان را برای بشر خلق کرده است، مسئولیت حفاظت از آن را نیز بر عهده بشر واگذار نموده است و چون هیچ عمل انسان بی تاثیر بر محیط زیست نمی باشد؛ بنابراین، باید از اعمالی که موجب آسیب رساندن به محیط زیست می شوند اجتناب نمایند. برای حل معضلات زیست محیطی در اسلام و بخصوص در فقه شیعه راهکارهایی وجود دارد که به دولت اسلامی امکان می دهد تا با استناد به آن ها ضمن حفاظت از محیط زیست به حراست از این میراث که از گذشتگان به ما رسیده برای نسل های آینده پردازد (فولادی، ۱۳۹۸، ص. ۲۱).

این راهکارها امکان می دهد تا از طرفی به محیط زیست به عنوان مال مشترک احترام بگذاریم؛ و نظام اسلامی براساس اصل مصلحت می تواند در مواردی هم که سکوت حکمی در حفظ محیط زیست وجود دارد به وضع قوانینی پردازد که به بهترین وجه حافظ منافع زیست محیطی باشد (امام داودی، ۱۳۹۵، ص. ۴۶). به موجب اصل عدم فساد، انسان ها دارای مسئولیت در رابطه با بهره برداری از طبیعت و منابع طبیعی بوده ولی استفاده از طبیعت و محیط زیست باید عاقلانه انجام پذیرد و متضمن آسیبی به آن نباشد.

در غیر این صورت در چارچوب قاعده اتلاف و تسبیب و نیز قاعده لاضرر فرد آسیب رسان مسئول بوده و باید به جبران خسارت وارده پردازد. این مسئولیت مبتنی بر قاعده ای که براساس آن عقل سلیم حکم می نماید که آسیب زننده به محیط زیست به جبران خسارت آن نیز پردازد. همچنین طبق قاعده اعانت بر اثم، نه تنها خود عامل جرم زیست محیطی بلکه هر کسی که در انجام فعل زیانبار به نحوی معاونت داشته است به عنوان معاون جرم مسئول بوده و باید پاسخگویی عمل خود باشد. بدین ترتیب می توان گفت که قانونگذاران اسلامی می توانند مستند به قواعد مذکور به حل معضلات زیست محیطی در جامعه پرداخته و از محیط زیست حفاظت نمایند.

نگرش اقبال لاهوری به عنوان متفکر اسلامی معاصر در خصوص علل تخریب محیط زیست و راه حل آن در روزگاری که فناوری هنوز به اوج خود نرسیده بود، قابل تامل است. وی در دیوان خود، شهری آرمانی به نام «مرغدین» تصویر می کند که شهروندان آن به معرفتی والا، جهان بینی شگرف نسبت به خویش و طبیعت پیرامون نیاز دارند. اقبال برای نسل خود و آیندگان حامل این پیام است که بشر با آلوده کردن و به فساد کشیدن زمین، دیگر در کره خاکی جایی ندارد. اقبال به این حقیقت اشاره دارد که شرح کامل دیدگاه اسلامی نسبت به مشکلات زیست محیطی، نیازمند یک تشریح تفصیلی از باورها و تعالیم اسلامی درباره خداوند، انسان و جهان است. به نظر اقبال، بحران محیط زیست، یک بحران اخلاقی و معلول دور شدن انسان از آموزه های اخلاقی الهی و معلول غرور بشری است. این فیلسوف شرقی به مالکیت خداوند بر ملکوت آسمان و زمین و امانت آدمی و خلافت الهی او توجه می کند و با تاکید بر هشدار خداوند

نسبت به افساد فی الارض در لحظات آغازین خلقت، بحران محیط زیست را معلول غفلت انسان از اوامر الهی دانسته است (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۸).

برخی از فقه‌های شیعه بر این عقیده هستند که هرگونه تخریب در محیط زیست و منابع طبیعی را باید «فساد بر روی زمین» دانست. ایشان در تأیید نظر خود به آیاتی از قرآن کریم اشاره دارند؛ از جمله آیات ۲۰۴ الی ۲۰۶ از سوره مبارکه بقره به شرح ذیل؛ «و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوه الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو ألد الخصام» (بقره: ۲۰۴)؛ «و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد» (بقره: ۲۰۵)؛ (چون برمی گردند) «و یا چون به ولایت و ریاست می رسند»، با تمام نیرو در گستراندن فساد در زمین می کوشند و کشت و نسل را تباه نموده؛ در حالیکه خدا فساد را دوست ندارد. «و اذا قیل له اتق الله أخذته العزه بالاثم فحسبه جهنم و لبئس المهاد» (بقره: ۲۰۶)

این آیات در شأن منافقی به نام اخنس بن شریق ثقفی نازل گردید. وی در مدینه نزد پیامبر به اسلام تظاهر کرد و چون بیرون آمد، به کشتزار گروهی از مسلمانان رفت، آنجا را به آتش کشید و چهارپایی را پی کرد (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸ ق، ص. ۲۹) علامه طباطبایی در تفسیر این آیات آورده است:

کلمه «اعجاب» به معنای خرسند کردن است؛ و معنای آیه ۲۰۴ این است که برخی از مردم وقتی که با تو سخن می گویند، طوری وانمود می کنند که افرادی حق پرست بوده، جانب حق را رعایت می کنند و به صلاح خلق عنایت دارند و پیشرفت دین و امت را می خواهند، در حالیکه که دشمن ترین مردم نسبت به حق هستند؛ و دشمنی شان با حق از هر دشمن دیگری شدیدتر است.

کلمه «تولی» به معنای دارای ولایت و سلطنت شدن و تملک آن است، و قرینه آن در آیه ۲۰۶ آمده است که می فرماید: هرگاه از راه پند و اندرز به او گفته شود: از خدا بترس و فساد و تباهکاری مکن، تکبر و سرکشی او را به گناه وامی دارد و کوشش او در فساد بیشتر می شود؛ پس دوزخ او را کافی است که کیفر کردارش باشد و دوزخ بد قرارگاهی است.

کلمه «سعی» به معنای عمل و هم به معنای سرعت در راه رفتن است؛ در نتیجه معنای آن چنین است: که این منافق شدید الخصومه وقتی دستش برسد، و دارای قدرتی شود و ریاستی به دست آورد، سعی می کند فساد را در زمین بگستراند؛ همچنین ممکن است کلمه (تولی) به معنای اعراض از روبرو شدن و گفتگو کردن باشد و معنا چنین باشد که چون از نزد تو بیرون رود وضعش غیر آن شود که بود؛ در حضور تو دم از اصلاح و صلاح و خیر می زد، لیکن چون بیرون رفت، در راه فساد و افساد سعی می کند.

از ظاهر قسمت اخیر آیه ۲۰۵ برمی آید که می خواهد فساد در زمین را بیان کند؛ و بفرماید فساد و افساد به این است که حرث و نسل را نابود کند؛ و اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده برای این است که قوام نوع بشر در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است؛ اگر غذا نخورد می میرد؛ و اگر تولید مثل نکند نسلش قطع می شود؛ و انسان در تأمین غذایش به «حرث» یعنی «زراعت» نیازمند است؛ چرا که منابع غذایی او یا از حیوان است (چهارپایانی نظیر گاو و گوسفند و شتر) یا از گیاه؛ و حیوانات (حلال گوشت) خود نیز برای بقاء به گیاهان نیازمندند. لذا «حرث» که همان «زراعت و گیاهان» باشد، نقش حیاتی در زندگی انسان دارند؛ و بدین جهت فساد در زمین را با هلاک حرث و نسل بیان کرده است. (علامه طباطبایی، جلد ۲، ص. ۱۴۳)

نویسنده تفسیر الکاشف در شرح آیه اخیر، از محمد عبده نقل می کند: «این آیه صراحت دارد به حاکمان مستبد و نامشروع؛ حاکم مستبد از روی تکبر و استکبار هرگز اجازه نمی دهد دیگران به او تذکر دهند و او را به راه صلاح بخوانند و از فساد و خطا برحذر دارند؛ زیرا از نظر روانی قدرت برای او این ذهنیت را بوجود آورده است که فکر می کند رأی و نظرش خطاناپذیر است. تصور می کند همان طور

که بالاترین قدرت از آن اوست، عقل و درایتش نیز از همه بالاتر است. چه رسد به اینکه اجازه دهد کسی به او بگوید: از خدا بترس! (المغنیه، ج ۱، ص. ۳۰۹)

به نظر می‌رسد این تفسیر با سیاق آیات و تجربه سیاسی بشری، انطباق بیشتری دارد. تاریخ به این امر گواهی می‌دهد که بسیاری از افراد قبل از رسیدن به قدرت برای جلب نظر و رضایت مردم آنان را به احیاء و عمران بلاد، اصلاحات زیست محیطی و بهینه ساختن زندگی وعده می‌دهند. وعده‌ها به گونه‌ای غیرمنتظره و امیدبخش است که اعجاب و حیرت و از طرفی خوشحالی مردم را سبب می‌شود. به هر حال، این افراد از این رهگذر به قدرت می‌رسند؛ ولی پس از رسیدن به قدرت، با کوتاهی در انجام وظیفه نه تنها آبادانی نمی‌کنند، بلکه در دوران قدرت آنان فساد و تخریب منابع طبیعی افزون می‌شود.

از سوی دیگر، این آیه در مقام نهی فساد در زمین است و براساس ذیل آیه، هیچ‌گونه فسادی محبوب ذات اقدس الهی نیست؛ و اراده تشریحی خداوند به ضد آن تعلق گرفته است. معنای اخیر به ضمیمه نهی در آیه «و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» (اعراف: ۸۵) (در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.)؛ کبرای قیاس را تشکیل داده و نتیجه آن، حرمت هرگونه اقدام تخریب‌کننده و ویرانگر در محیط زیست است.

نکته قابل تأمل درخصوص آیه ۲۰۵ از سوره بقره آن است که هلاک «نسل»، تابع هلاک «حرث» شده است. هلاک نسل به معنای نسل کشی است و ارتباط آن با هلاک حرث و متأخر از آن گویی رساننده آن است که نابودی نوع بشر، اثر تبعی نابودی و تخریب محیط زیست است؛ از این رو، با توجه به اینکه تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به هلاک نسل انسان می‌انجامد، مصداق بارز فساد در زمین است.

۳-۱- تحلیل جرم شناختی

نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی هر یک به گونه‌ای حقوق جزایی و نظام عدالت کیفری را تحت تاثیر قرار داده‌اند (رحیمی نژاد، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۱). از آنجا که جرایم سبز به دو دسته جرایم زیست محیطی و تروریسم زیست محیطی تقسیم می‌شوند، مرتکبان این جرایم را خطرناک‌تر از یک جرم عادی می‌دانند. خطرناکی یا حالت خطرناک، آن‌گونه که در جرم‌شناسی تحقیقی مطرح است، لزوماً جنبه بالینی ندارد. افراد خطرناک از نظر بزه کاری، بیمار و آسیب دیده نیستند بلکه به نوعی از نظر اجتماعی مسئول عمل خود انگاشته می‌شوند و باید آنان را با هدف تأمین امنیت جامعه، تحت کنترل و نظارت قرار داد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص. ۷۲۴).

ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته نیز خطر رفتارهای آنان را افزایش می‌دهد، چراکه افزون بر شدت صدمات ناشی از آن، تصمیم مشترک بر ارتکاب جرم، احتمال ارتکاب عملی آن را بیشتر می‌کند. امروزه با ظهور اشکال نوین بزهکاری مانند جرایم سازمان یافته، دولت‌ها با دسته‌جدیدی از جرایم و مجرمان مواجه شده‌اند که کنترل و مبارزه با آن‌ها در مقایسه با جرایم سنتی چندان آسان نیست. مرتکبان جرایم سازمان یافته، شیوه خطرناکی برای انجام بزه برگزیده‌اند (عالی پور، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۹). یکی از نمودهای بارز جرایم سازمان یافته، جرایم زیست محیطی است. آنچه سبب می‌شود جرایم زیست محیطی سازمان یافته خطرناک تلقی شوند، تفاوت آن‌ها با مجرمان جرایم غیرسازمان یافته است. مرتکبان جرایم غیرسازمان یافته، اغلب کوتاه بین، تکانشی و جست و جو کننده خطر معرفی شده‌اند؛ در حالی که این ویژگی‌ها در مورد مرتکبان جرایم سازمان یافته صدق نمی‌کند.

تروریسم به عنوان رفتاری وحشتناک با سوءاستفاده از مولفه نیرو/زور به منظور از بین بردن شماری از شهروندان و طبیعتاً آفریدن هراس گسترده گاه با ابعاد جهانی ارتکاب می‌یابد (رحیمی نژاد، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۷). فلذا، فرآیند پیدایش و به اجرا درآمدن این پدیده بر خشونت استوار است. همین خصیصه نشان دهنده دارا بودن ویژگی‌های متفاوت و البته خطرناک در میان مرتکبان تروریسم است زیرا تلاش و

اقدام برای نابودسازی شمار زیادی از شهروندان، بزه دیدگان بدون تقصیر، ایجاد وحشت وسیع نشانه ای از وجود سطح بالایی از زیان بخشی به دیگران، بی تفاوتی عاطفی، خودبینی و ستیزه جویی و در واقع ظرفیت جنایی گسترده در مرتکبان این پدیده است و وجود انسجام در برنامه ریزی و شیوه ارتکاب جرم به خطرناک بودن این رفتار مجرمانه می افزاید (نیازپور، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۶) منظور از بی تفاوتی عاطفی یعنی اینکه شخص مرتکب نسبت به بزه دیده خود عاطفه ای ندارد و مولفه پرخاشگری و ستیزه جویی نیز بدین معناست که فرد به قوانین و مقررات تجاوز می کند، خودبینی نیز به بی تفاوتی فرد نسبت به قانون اشاره دارد.

علاوه بر این، بزه دیدگان جرایم زیست محیطی از آن جهت مرتکبین این گونه جرایم از حالت خطرناک بالایی برخوردار هستند، نیازمند حمایتی درخور توجه اند. قربانیان محیط زیست، قربانیان علم و تکنولوژی هستند (رایجیان، ۱۳۹۰، ص. ۹) و جزء بزه دیدگان واقعی یا بزه دیدگان بی گناه هستند که هیچ نقشی در به حرکت درآوردن جرم نداشته اند. البته درخصوص تروریسم زیست محیطی از آن جهت که بزه دیدگان تروریسم موضوعیت ندارند، یعنی قربانیان انتخاب نمی شوند، هیچ رابطه ای میان مجرم و بزه دیده وجود ندارد. در بزه های سنتی معمولاً جرم مبتنی بر رابطه بین مجرم و بزه دیده است، در حالی که در جرایم تروریستی زیست محیطی مهم نیست چه کسی کشته شود بلکه مهم این است که این عمل سبب ایجاد ناامنی و هراس گردد.

۲- امنیت ملی و امنیت سبز

امنیت ملی به الزاماتی اشاره می کند که بقای دولت ملی را از طریق به کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. «امنیت ملی» یک مفهوم غربی و خصوصاً آمریکایی است که در سالهای پس از ۱۹۴۵ رواج یافت. در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی ارائه شده است. این مفهوم مانند دیگر مفاهیم علوم انسانی، دارای تعریفی واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران نمی باشد. ریشه آن عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه‌ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آنها از این واژه باز می گردد. (نصری، ۱۳۹۰، ص. ۵۲)

رابرت ما ندل می گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۸۵، ص. ۲۸) والتر لیپمن در مورد امنیت ملی چنین گفته است: یک ملت زمانی امن است که در صورت اجتناب از جنگ، در معرض قربانی کردن ارزش‌های خود نباشد و در صورت ورود به جنگ بتواند با پیروزی در جنگ، ارزش‌های خود را پاس بدارد. امنیت ملی در دو گفتمان سلبی و ایجابی بیان شده است. امنیت ملی در گفتمان سلبی به پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کشور معطوف است و گفتمان ایجابی ضمن حفظ منافع ملی به دنبال کسب فرصت‌ها برای توسعه و پیشرفت می باشد. (لیپمن، ۱۳۸۵، ص. ۷۲)

امنیت ملی یک کشور تا چند دهه پیش، صرفاً معنایی نظامی داشت و به همین دلیل تهدید نظامی، مهم‌ترین تهدید برای امنیت ملی هر کشور شناخته می شد اما در دهه های اخیر، بحران زیست محیطی نیز بر مطالعات امنیت ملی افزوده شد و در تعریف جدید امنیت، دیگر نمی توان آن را به طور یک طرفه و یک جانبه تحقق بخشید (سلیمان خاکسار، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۵). همین مقوله بعد نوین امنیت را که همانا بعد زیست محیطی آن است تحقق می بخشد. محیط‌زیست از آن جهت که می تواند موجبات تقویت بنیه‌های اقتصادی و سلامت جسمی و روانی کشور را فراهم سازد، عاملی مطلوب و تقویت کننده در جهت اهداف امنیت ملی به شمار می آید. امنیت محیط‌زیست، به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرهای و تهدیدهای ناشی از رفتارهای آسیب‌رسان زیست محیطی

فراهم می‌سازد (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵، ص. ۵۲). گفتمان مدرن امنیت ملی یک رویکرد بین رشته‌ای را تقویت می‌کند تا کشور را به سوی توسعه‌های پایدار سوق دهد. حمایت کیفری از منافع و امنیت ملی، ارتباط میان رشته‌ای بحث امنیت را با حقوق پررنگ‌تر می‌کند. جلوه‌های این حمایت در دو بعد حقوق ماهوی و حقوق شکلی جلوه می‌کند که در بعد حقوق کیفری ماهوی، نظام حقوقی ایران به جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور نموده است.

۳- تمایز بین «جرم زیست محیطی» و «تروریسم زیست محیطی»

تروریسم امروزه در رأس دغدغه‌های هر نظام حقوقی است به گونه‌ای که اکثر کشورها با اینکه به تعریفی جامع از این جرم دست نیافته‌اند اما به مبارزه خود علیه این پدیده شوم ادامه می‌دهند. در جرایم تروریستی نوعی رعب و وحشت در میان مردم ایجاد می‌شود که همین رعب و وحشت عنصر اصلی در تروریستی محسوب شدن یک جرم است. همین خصیصه مهم عامل اصلی تفکیک جرم زیست محیطی از تروریسم زیست محیطی است. در جرایم زیست محیطی آنچه مجرمان این دسته از جرایم انجام می‌دهند به قصد ایجاد رعب و وحشت در میان مردم نیست، در حالی که در تروریسم زیست محیطی هدف اصلی مجرم، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم می‌باشد. از این رو می‌توان گفت تروریسم زیست محیطی به هر اقدامی اطلاق می‌شود که با بهره‌گیری از مواد سمی و خطرناک، آسیب و تهدیدی را که نوعاً برای محیط زیست انسان، حیوانات و محیط طبیعی با هدف ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی از طریق هراس افکنی یا ایجاد وحشت بوجود می‌آورد (پورهایمی، ۱۳۹۴، ص. ۴).

یکی از نظام‌های حقوقی که توانسته است درخصوص تروریسم در قوانین جزایی خود قلم فرسایی کند، فرانسه است. اهمیت مبارزه و مقابله با تروریسم به عنوان یک پدیده جهانی از یک سو و جلوگیری از آسیب‌های شدید به محیط زیست از سوی دیگر، قانونگذار فرانسوی را بر آن داشته که در قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۲، به تعریف یکی از مهم‌ترین انواع تروریسم به نام تروریسم زیست محیطی مبادرت ورزد که این از ابتکارات قانون مجازات فرانسه است. مقنن فرانسوی در واقع، در ادامه سیاست‌های حمایتی خود از «منافع حیاتی و اساسی ملت فرانسه»، به جرم‌انگاری تروریسم زیست محیطی اقدام نمود (Mayaud, 1997, p. 24). در این ارتباط قانونگذار فرانسه به تغییر و تحول شکل و نوع اعمال تروریستی در طول زمان توجه داشته است. همچنین علیرغم اینکه در حقوق فرانسه مقررات مختلفی درباره آلودگی هوا وجود داشته است، لیکن اقدام قانونگذار از این جهت بدیع ارزیابی می‌گردد که تاکنون یک جرم کلی که بتوان با استناد به آن، جرایم تروریستی زیست محیطی را جرم‌انگاری نمود هرگز وجود نداشته است.

قانونگذار فرانسه در قالب مواد ۱-۴۲۱ الی ۷-۴۲۲ قانون مجازات فرانسه، به موضوع «اعمال تروریستی» پرداخته است و در ماده ۱-۴۲۱، رفتارهای تروریستی را برشمرده است، لکن آنچه قابل بحث و بررسی است، عبارت است از اینکه مقنن فرانسوی در قالب ماده ۲-۴۲۱، جرایم زیست محیطی در این ماده را تحت شرایطی در حکم تروریسم قلمداد کرده است. این ماده ۲-۴۲۱ قانون مذکور در تعریف تروریسم زیست محیطی بیان می‌دارد: «وارد کردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان، حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر می‌اندازد، در هوا، خاک و لایه زیرین خاک، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آب‌ها از جمله قلمرو دریایی، در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اختلال شدید در نظم عمومی از راه هراس افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد نیز یک عمل تروریستی محسوب می‌شود.»

رکن مادی این جرم، همان ایراد لطمات زیست محیطی وسیع می‌باشد که قانونگذار اقدامات خود را به قصد پیشگیری از تمامی اشکال آن در قانون جزای سال ۱۹۹۲ بکار بسته است. به همین دلیل است که هر عملی که با بهره‌گیری از مواد خطرناک، آسیب و خطری را نوعاً برای انسان‌ها، حیوانات و محیط زیست بوجود آورد، مشمول بیان قانونگذار خواهد شد. علاوه بر این باید توجه داشت که بزه

مورد بحث از مصادیق جرم مطلق می باشد؛ به همین دلیل وجود خطرات بالقوه برای تحقق جرم مزبور کافی است و نیازی به وجود لطامات واقعی بر سلامت انسان، حیوان و یا تخریب های ملموس زیست محیطی نیست؛ اگر هم نتایج جرم رخ دهد ممکن است در برخی حالات، سبب تشدید مجازات شود؛ نظیر موردی که رفتاری منجر به مرگ فرد و یا افرادی گردد که در این حالت بر اساس ماده ۴۲۱-۴ جرایم مزبور حالت مشدده پیدا کرده و ضمانت اجرای آن تشدید می شود (Mayaud, 1997, p. 26).

جرم انگاری جرایم زیست محیطی که اقدامی نوین از سوی قانونگذار فرانسه در زمینه ایجاد نگاهی جدید به جرایم تروریستی بوده است، آغاز راهی بود که سال های بعد نیز قانونگذار آن را ادامه داده است. در سال ۲۰۲۱، قانونگذار فرانسوی تصمیم گرفت که جرم بوم زدایی (اکوساید) را ضمن قیاس با نسل زدایی موضوع ماده ۱-۲۱۱ قانون مجازات فرانسه، ذیل ماده پیشنهادی ۱-۲۳۰، جرم انگاری نمود و مجازات حبس ده ساله را برای آن مقرر داشت. منظور از بوم زدایی براساس متن مصوب، عبارت است از «یک اقدام طراحی شده در جهت نابود سازی کلی یا جزئی اکوسیستم، در زمان صلح یا جنگ که منجر به لطمه شدید و پایدار به محیط زیست و شرایط زیستی جمعیتی شود.» (روزبه، ۱۴۰۱، ص. ۴۵)

۴- جرایم حدی زیست محیطی

در نظام حقوق ایران، تاکنون تروریسم به صورت مستقل جرم انگاری نشده و تروریسم زیست محیطی نیز به طریق اولی جرم انگاری نشده است. در نظام حقوقی ایران اگر به دنبال مواد مشابهی باشیم که بتوان گفت مصادیقی از تروریسم زیست محیطی را مطرح کرده است، در ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطرح شده است. ماده مذکور مقرر داشته است: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن ها گردد، به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.» براین اساس، رفتار مجرمانه تروریسم زیست محیطی را باید جزء سه دسته از مصادیق مذکور در ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی دانست. الف) جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد؛ ب) پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک؛ ج) احراق و تخریب. از این رو، برخی از مصادیق تروریسم زیست محیطی در صورتی که با شرایط این ماده انجام گیرند، از مصادیق «افساد فی الارض» دانسته شده اند؛ بدون اینکه تعریفی مشخص از تروریسم زیست محیطی ارائه دهد و همچنین قانونگذار باید ابتدا توسل به مواد سمی و میکروبی و خطرناک را جرم انگاری کرده باشد، چرا که هر یک از مصادیق مذکور در ماده فی النفسه جرم تعزیری هستند. از طرفی، ماده (۶۸۸) قانون مجازات اسلامی نیز یک «جرم زیست محیطی» محسوب شده و نمی تواند فقدان جرم انگاری تروریسم زیست محیطی را حل نماید؛ چراکه این ماده به دلیل عدم وجود رویکردی تروریستی یک جرم ساده زیست محیطی تلقی می شود.

شناسایی تروریسم زیست محیطی به عنوان یک جرم حدی در نظام حقوقی ما پسندیده و مقبول است، چرا که این گونه نوین از تروریسم مجازات های ثابتی را می طلبد؛ و به نظر می رسد که جرم انگاری این قسم از تروریسم در قالب تعزیرات امر شایسته ای نباشد، چرا که اصل تناسب جرم و مجازات رعایت نخواهد شد. امروزه کشورها در جهت مبارزه با تروریسم و تضمین حقوق اساسی افراد از اسلوب های جدید جرم انگاری استفاده می کنند (مجیدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۷). یکی از مهمترین این اسلوب ها استفاده از مجازات های ثابت و انعطاف ناپذیر است. البته این سخت گیری جزایی درخصوص مجرمان تروریستی مبتنی بر سیاست زدگی غیرعلمی نبوده؛ بلکه مبتنی بر مطالعات جرم شناسی و سطح بالای حالت خطرناک این دسته از مجرمان است.

با توجه به اینکه تروریسم زیست محیطی یکی از مصادیق بارز افساد فی الارض است، لذا بهتر است که ذیل همین عنوان مجرمانه در حدود قرار بگیرد چرا که عمل ارتكابی در جرم افساد فی الارض، اعتدال زمین را به عنوان سکونتگاه انسان ها دچار اختلال کرده و آن را برای سکونت انسان نامناسب می سازد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ص. ۵۸).

از طرف دیگر، با توجه به وضعیت موجود در نظام حقوقی ایران که مصادیق تروریسم زیست محیطی در قالب افساد فی الارض جای داده شده و ابهام گویی های فراوانی دارد، رویکردی دشمن مدار در خصوص مجرم به خود گرفته است و بهتر است با شفاف سازی مفاهیم «گسترده»، «اخلال شدید» و ... آزادی شهروندان را نیز در کنار امنیت آن ها مورد تضمین قرار دهد؛ چرا که با ابهام گویی، ممکن است بسیاری از شهروندان مشمول مجازات های ثابت حدی قرار گرفته و آزادی های ایشان پایمال گردد (نبوی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۸). شفاف سازی در این امر سبب می شود که جرم زیست محیطی از تروریسم زیست محیطی به خوبی تفکیک شود و یک جرم فی النفسه تعزیری به خاطر ابهام گویی ها مشمول حد قرار نگیرد. بطور کلی بازدارندگی در عرصه تقنین با تفکیک جرم زیست محیطی از تروریسم زیست محیطی و وضع مجازات های شدیدتر برای دسته اخیر تامین شده است.

نتیجه‌گیری

امروزه حمایت از محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشری در رأس دغدغه‌های هر نظام حقوقی قرار گرفته است. جرایم سبز که در حوزه محیط‌زیست ارتکاب می‌یابند با پیشرفته‌شدن علوم و فنون تکنولوژی شکل مدرن‌تری را به خود گرفته‌اند و حقوق کیفری را فنی و تخصصی نموده‌اند که حقوق کیفری محیط‌زیست، یکی از این حوزه‌های فنی و تخصصی است. جرایم علیه محیط زیست می‌تواند تهدیدی علیه امنیت ملی و نظم عمومی باشد.

امنیت ملی به عنوان پدیده‌ای بسیار مهم قابل بحث و بررسی است که یکی از این حوزه‌ها، بزه زیست‌محیطی است که باعث شکل‌گیری مباحثی نوین تحت عنوان امنیت زیست‌محیطی شده است. خصیصه‌های متعدد بزه زیست‌محیطی که دارای آثار غیرقابل جبرانی است سبب شده است که این مقوله تأثیر بسزایی در به خطر افتادن امنیت ملی و بین‌المللی گردد و توسعه پایدار را با خطر جدی مواجه سازد. نظام حقوقی ایران نیز با به رسمیت شناختن یکی از بزه‌های ضد سبز تحت عنوان جرایم علیه امنیت حدی در باب افساد فی الارض، به این مهم توجه داشته که بزه زیست‌محیطی در مواردی می‌تواند امنیت ملی را به مخاطره بیندازد. اما در ابعاد دیگر بزه ضد سبز، سیاست جنایی منسجمی وجود نداشته که پیشنهاد می‌گردد در قالب جرم‌انگاری‌های افتراقی بدین مهم دست یافت.

در واقع، یکی از بایسته‌های اساسی حقوق کیفری زیست محیطی، حمایتی درخور توجه و شایسته از محیط زیست است؛ چرا که حقوق محیط زیست به تعبیر حقوقدانان حقوقی خنثی نبوده و متضمن تعهد به نتیجه است؛ از این رو، یکی از جلوه‌های حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست، ارائه تفکیکی مناسب درباره جرم زیست محیطی با تروریسم زیست محیطی است.

در حال حاضر در نظام حقوق ایران، جرم مستقلی با عنوان تروریسم زیست محیطی وجود ندارد؛ اما در قوانین متعدد نمودهایی از مفهوم تروریسم زیست محیطی یافت می‌شود؛ یکی از این موارد ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی که مرتکب را تحت شرایطی مفسد فی الارض دانسته است. در ماده (۶۸۸) قانون تعزیرات نیز صرفاً برخی از عناصر مادی تروریسم زیست محیطی برشمرده شده است، لیکن از جهت آنکه به قصد اخلال شدید در نظم عمومی که عنصر متمایز کننده تروریسم زیست محیطی از جرم زیست محیطی است، تصریح نشده است، لذا این ماده یک «جرم زیست محیطی» تلقی خواهد شد و نه «تروریسم زیست محیطی».

نهایتاً، علیرغم اینکه مفهوم تروریسم زیست محیطی تا حدودی، قابلیت انطباق با عناوین مختلف جزایی در ابواب فقه یا قوانین موجود در نظام حقوقی کشور را دارد، لیکن به جهت بهره‌مندی از مزایایی نظیر دادسرا و دادرسی اختصاصی، پیشنهاد می‌شود این مفهوم به صورت مستقل جرم‌انگاری شده تا مقررات ویژه‌ای به خود گرفته و ضعف جدی موجود در نظام تقنینی کشور بدین نحو برطرف گردد.

فهرست منابع

الف) فارسی

- اسعدی، سید حسن. (۱۳۹۰). جرایم سازمان یافته فراملی، تهران، نشر میزان.
- بابایی، محمدعلی. (۱۳۸۳). تحولات جرم‌شناختی-حقوقی مفهوم حالت خطرناک، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۳۴.
- امام داودی، علیرضا؛ ثقفی، مهدی. (۱۳۹۵). حمایت از حقوق محیط زیست در پرتو قواعد فقهی، دوفصلنامه حقوق محیط زیست، سال اول، شماره اول، ص ۸.
- بنسون، مایکل و سیمپسون، سالی. (۱۳۹۱). جرایم یقه سفیدی: رویکردی فرصت مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران: نشر میزان.
- پورباقرانی، حسن و همتی، مرضیه. (۱۳۹۵). نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست محیطی، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ۸۷.
- پورهاشمی، سیدعباس. (۱۳۹۶). جرم انگاری تروریسم زیست محیطی: هنجارها و راهبردها، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هفدهم، شماره اول، ۱۵، ص ۱۸.
- تقی زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۸۹). چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۰، ص ۲.
- تقی زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۹۵). حقوق محیط زیست در ایران، تهران: نشر سمت.
- حاجی‌وند، امین؛ میرکمالی، علیرضا؛ صفری، فرشید و سروی، امید. (۱۳۹۷). مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران؛ ضرورتها و چالشها، مجله علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۴.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاه، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست، قم: نشر اسراء.
- رایجیان، مهرداد. (۱۳۹۰). بزه دیده شناسی حمایتی، تهران: نشر دادگستر.
- رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۹). جرم شناسی فرهنگی سبز: از علت تا پیشگیری، سال یازدهم، شماره اول، ص ۱۱.
- رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۴۰۱). رویکرد نوین در جرم شناسی انتقادی و سیاست جنایی، تهران: انتشارات مجد.
- رضوانی، سودابه. (۱۳۹۶). مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، تهران: نشر میزان.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین و سیمائی صراف، حسین. (۱۳۹۳). از مالکیت تا حاکمیت: مطالعه تطبیقی محیط زیست در حقوق و فقه اسلامی، فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال سوم، شماره اول، ص ۳۷.
- روزبه، مهرداد؛ قهرمانی افشار، نیوشا؛ اکبری، عباسعلی. (۱۴۰۱). سیر تقنینی اکوساید در نظام حقوقی فرانسه و بلژیک به سوی مدار تطبیق و تعادل با اساسنامه رم، نشریه پژوهش های حقوقی، ص ۱۶.
- زارع مهدوی، قادر؛ دانش ناری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). امنیت بین المللی و جرایم زیست محیطی، تهران: نشر میزان.
- زهره وندی، مهدی. (۱۳۹۰). نقش قوه قضاییه در قبال محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳.
- سلمان خاکسار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). حکومت، فرد و امنیت، تهران: دانشگاه دفاع ملی.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۷). مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، ص ۱۲.

- عبداللهی، محسن. (۱۳۸۶). حمایت کیفری از محیط زیست، مجله علوم محیطی، سال اول، ص ۳.
- عالپور، حسن. (۱۳۹۴). مایه های هراس و خشونت کیفری در تروریسم‌شناسی، مجموعه مقالات، تهران، انتشارات نگاه بینه، ص ۱۲.
- علامه طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۳). ترجمه تفسیر المیزان، ج. ۲.
- عظیمی، علی. (۱۳۹۱). فقه حکومتی و محیط زیست، فصلنامه معرفت، سال بیست و یکم، شماره ۱۸۲، ص ۴۰.
- فهیمی، عزیزاله؛ عرب زاده علی. (۱۳۹۰). مبانی فقهی حقوق محیط زیست، پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره اول، ص ۷.
- فولادی، اسماعیل. (۱۳۹۸). بررسی تخریب محیط زیست و منابع طبیعی از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه پژوهش تطبیقی عدل و انصاف، سال دوم، شماره پنجم، ص ۸.
- قاسمی، ناصر. (۱۳۹۱). حقوق کیفری محیط‌زیست، تهران: نشر خرسندی.
- گرچی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی سبز، تهران: نشر میزان.
- ماندل، روبرت. (۱۳۸۵). تخریب محیط زیست و امنیت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۰). الهیات محیط زیست؛ گزارشی از آرمان شهر علامه اقبال لاهوری، فصلنامه اخلاق زیستی، سال اول، شماره اول، ص ۵.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۳). الهیات محیط زیست، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مجیدی، سید محمود. (۱۳۸۶). جرم‌انگاری تهاجمی فرانسه در جرایم تروریستی، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، سال سیزدهم، شماره ۶۴، ص ۱۷.
- مشهدی، علی. (۱۳۹۳). اساسی سازی حق بر محیط زیست سالم در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، ص ۳.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی، تهران: نشر میزان.
- نبوی، محمدهادی. (۱۳۹۴). جرم‌انگاری از منظر آموزه های فقه جعفری و حنفی، تهران: نشر مجد.
- نجات، سید امین و دبیری، فرهاد. (۱۳۹۴). بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده (۶۸۸) قانون مجازات اسلامی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره دوم، ص ۳۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). کیفرشناسی نوجرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- نصر اصفهانی، احمد؛ رئیسی، لیلا؛ آرش پور، علیرضا. (۱۳۹۹). جرم‌انگاری بین‌المللی زیست بوم زدایی، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هفدهم، شماره ۱۹، ص ۱۳.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۶). بنیان های جرم‌شناسانه افتراقی به ترویسیم، مجموعه مقالات همایش ترویسیم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱۲.
- وایت، راب. (۱۳۹۴). جرایم علیه طبیعت، جرم‌شناسی محیط‌زیست و عدالت زیست‌محیطی، ترجمه پیمان نامیان و سبحان طیبی، تهران: نشر مجد.

کلینی، الکافی. (۱۳۶۵). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
المغنیة، محمدجواد. (۱۳۷۵ ق). تفسیر الکاشف، ج. اول.
واحدی نیشابوری. (۱۳۸۸ ق). شأن نزول آیات. بیروت: دارالکتب العلمیه
پ) انگلیسی

Alex,P. Schmid . (1993). The Response Problem As a Definition Problem, in western Response to Terrorism ,Terrorism and political violence,vol.4, p. 18.

Kushner, Harvey W. (2003).(Encyclopedia of Terrorism, Sage Publications, pp. 107-108.

Mayaud, Yves. (1997). Le Terrorisme, Paris, Dalloz, p. 15,19.

Newburn, Tim. (2007). Criminology, USA, Willian publication, p. 53.

Spencer, Alexander. (2006). Questioning the concept of new terrorism, peace conflict and development. issue 8, p. 75.

